

کرونا و نگاهی اخلاقی به تجمعات

مصطفی سلیمانی



جلوگیری از ضرر مالی یا بدنی مانعی ندارد، بلکه برای هر غرضی، دینی یا دنیوی که مورد اهتمام نمازگزار است، مانعی ندارد.

۳- تقیّه به منظور ترس از جان یا آبروی خود یا بستگان و اطرافیان نزدیک واجب است.

۴- حق الناس، به معنای حقوق مردم بر ذمه انسان است که از جمله‌ی آن، رعایت جان و مال مردم است.

۵- وضو یا روزه اگر برای بدن ضرر داشته باشند باید ترک شوند.

و...

تعطیلی احکام، گاهی واجب است

واضح است که روزه از روزه ماه مبارک رمضان واجب‌تر نیست. وقتی ما می‌توانیم روزه را در صورت احتمال وجود ضرر برای بدن ترک کنیم، به طریق اولی می‌توانیم برگزاری مراسم عزاداری برای ابی‌عبدالله (ع) را، در صورت وجود خوف از آسیب مالی یا جانی یا آبرویی ترک کنیم.

به طور کلی، با توجه به فتاوی‌ای ذکر شده، به نظر می‌رسد که هر گاه احکام دین در تعارض با سلامتی انسان یا جان، مال و عرض و آبروی او قرار بگیرند، باید تعطیل شوند؛ اما علاوه بر همه این‌ها، باید در نظر گرفت که هیچ الزامی هم برای برگزاری مناسک دینی به شکل سنتی آن‌ها وجود ندارد و می‌توان با توجه به شرایط کنونی، رویه هوشمندانه‌تر و صورت عقلانی‌تری را برای تعطیل نشدن این مناسک در پیش گرفت. در حقیقت، می‌توان با توجه به فضاهای موجود و در دسترس، سبک دیگری را برای برگزاری مراسم‌های مذهبی برگزید؛ سبکی که از یک طرف در تقابل با تخصص و علم و دانش متخصصین نباشد و از طرف دیگر، بتواند معارف و برکات سنت‌های معمول را نیز تا حد قابل قبولی احیا کند.

مناسک دین تحت تأثیر

شرایط جامعه هستند

در زمانی که گردهمایی‌ها تهدید جانی محسوب

این که عزاداری، تجلی‌علاقه و باور به امامت است، زیر مجموعه تولی و تبری است و از این رو، حتی مهم‌تر از حفظ جان است، از دلایلی است که موافقین برگزاری مراسم، برای وجوب برگزاری عزاداری، آن هم در هر شرایطی، به آن‌ها اشاره می‌کنند. اما با همه این تفاسیر، باید با دید عقلایی و خارج از هر گونه تعصب، توجه کرد که حقیقت چیست. مسلماً آن‌چه که نباید از نظر دور داشت این است که حقیقت نباید چیزی ورای اخلاق باشد.

ما باید اهم و مهم کنیم

روضه ابی‌عبدالله (ع) یکی از سنت‌های دیرینه شرعی و ملی ماست. مردم کشور ما سال‌هاست که به مفاهیم و ارزش‌هایی که در این دوره کوتاه ده روزه و در قالب مجالس عزاداری ارائه می‌شوند به چشم یک کلاس درس فشرده معرفتی نگاه می‌کنند. بسیاری از این مجالس، بستر ظهور اندیشه‌های روح‌افزا و جان‌پرور هستند. از این رو، این تجمعات و مراسم‌ها جزء جدانشدنی اعتقادات مردم‌اند و به اعتباری، اعتقاد عموم مردم بر این است که آن‌چه از دین به ما رسیده، همه در سایه مجالس اباعبدالله (ع) و نهضت او بوده است.

عزت و حرمتی که شیعیان برای ماه محرم و عزاداری عمومی برای ابی‌عبدالله (ع) قائلند بسیار بالاست، به قدری که بسیاری، روزه را از اقرب اقربات می‌دانند و آن را از کوتاه‌ترین راه‌ها برای نزدیکی به خدای متعال برمی‌شمارند، اما آیا با این همه، برگزاری چنین تجمعات عمومی عظیمی، در شرایط کنونی واجب است؟ به این معنا که حتی «به خطر انداختن جان خود و سایرین»، در مرتبه بعد از آن قرار بگیرد؟ شاید مرور کوتاهی بر چند حکم شرعی قابل تعمیم به مورد کنونی، بتواند در این زمینه کمک‌کننده و راهگشا باشد:

۱- انجام و یا ترک اموری که مقدمه حفظ نفس است، واجب است.

۲- شکستن نماز واجب برای حفظ مال، و

دغدغه این روزهای متدینین

این روزها و در آستانه ماه محرم، به دلیل افزایش آمار مبتلایان به ویروس کرونا، دغدغه بسیاری از مذهبی‌ها و متدینین، چگونگی برگزاری مراسم عزاداری ابی‌عبدالله (ع) است. این دغدغه‌ها تاکنون واکنش‌های مختلفی را از سوی مخالفین و موافقین برگزاری مراسم عزاداری ابی‌عبدالله (ع) برانگیخته است. در این میان، آن‌چه که مسلم است، نظر فعالان حوزه سلامت است، که با توجه به شرایط کنونی، با برگزاری هرگونه مراسم و تجمع، حتی با وجود تعهد تجمع‌کنندگان نسبت به رعایت پروتکل‌های بهداشتی، مخالف برگزاری این مراسم‌ها هستند.

تعطیلی تجمعات یعنی

تعطیلی شریعت؟

در این میان، متدینین و متشرعینی که به برگزاری مراسم عزاداری اصرار و تأکید دارند، برآورده شدن آرزوی معاندین اسلام و نیز تعطیلی شریعت را به عنوان پیامدهای منفی تحریم مراسم عنوان می‌کنند و این در حالی است که در روزهای اخیر، شیوع و میزان مرگ‌ومیر در اثر ویروس کرونا به بیشترین حد خودش در شش ماه گذشته رسیده است. آماري که به شدت جای تأمل و نگرانی دارد. آشکار است که با توجه به وضعیتی که کشور اکنون به آن دچار است و در شرایطی که بسیاری از شهرهای ایران در وضعیت قرمز هستند، اقدام به برگزاری مراسم می‌تواند بسیار خطرآفرین و فاجعه‌آمیز باشد.

اما این که چرا در شرایطی که فریضه «حج» ممنوع شده است، هم‌چنان از سمت عده‌ای، بر برگزاری مراسم عزاداری محرم اصرار و پافشاری می‌شود جای توجه و بررسی دارد.

حقیقت، ورای اخلاق نیست

دلایل اعتقادی (نظری)، عملی و تاریخی، از جمله دلایلی هستند که موافقین برگزاری مراسم، برای اثبات صحت گفته‌های خودشان برمی‌شمرند.

می‌شوند، بدیهی است که بسیاری از مناسک دین تحت تأثیر قرار می‌گیرند: برگزاری نمازهای جماعت، حج واجب، دعاها و اعمال دسته‌جمعی، شرکت در مراسم تشییع جنازه، دفن میت و حتی زیارت اماکن مقدس و مذهبی.

صد البته می‌توان تلاش کرد که تا جای ممکن، این مناسک را در کیفیت و قالب دیگری، و بدون آن که به طور کلی از میان بروند برگزار نمود. همه ما نمونه نزدیک و در دسترس این کیفیت از برگزاری مراسم را در ایام ماه مبارک رمضان شاهد بوده‌ایم. برگزاری آنلاین جلسات شب‌های قدر نمونه موفق این تجربه‌ها هستند و پیش از این، بسیاری از مصیبت‌دیدگان در چند ماهه اخیر، به دلیل محدودیت‌های اعمال شده در خصوص برگزاری مراسم تدفین و تشییع و ختم عزیزانشان، مناسک را در قالب دیگری به غیر از قالب‌های رایج، به صورت آنلاین و با تشکیل گروه عزاداری در فضای مجازی انجام داده‌اند.

❁ اصل گردهمایی یعنی مخالفت با دستور العمل‌های پزشکی

طبق نظرات کارشناسان حوزه پزشکی، برگزاری مراسم و به عبارتی «اصل تجمع»، مخالف با پروتکل‌ها و دستور العمل‌های بهداشتی است؛ رعایت مسائل فاصله‌گذاری در دسته‌های عزاداری و جمعیت تماشاکنندگان، آن هم با کیفیتی که عزیزان فرموده‌اند - که با شکوه و پر شور باشد - میسر نیست؛ برگزاری تجمع در فضای بسته نیز ممکن نیست و به این ترتیب، هرگونه اقدام برای برگزاری مراسم، به نوعی بازی کردن با جان مردم است.

نمی‌شود بیهوده ادعا کرد که مراسم‌ها و تجمعات را می‌توان با رعایت دستور العمل‌های بهداشتی لازم برگزار کرد. به هر صورت و با احتمال بسیار اندک هم، این امکان وجود دارد که در این گردهمایی‌ها، زمینه ابتلاء حتی یک نفر به این ویروس مرگبار به وجود بیاید و بدیهی است که ما حق نداریم در هیچ حالتی جان هیچ انسانی را به خطر بیندازیم.

در شرایطی که هیچ‌گونه تضمینی برای حفظ جان عزاداران حسینی وجود ندارد، چرا باید بر تشکیل این تجمعات اصرار کرد؟ ما تا کجای می‌توانیم مانع عملکردهای «افراد بی‌مبالات نسبت به دستور العمل‌های بهداشتی» باشیم؟

❁ اخلاق، کجای قصه این روزهاست؟

به راحتی می‌توان یقین حاصل کرد که اخلاق، که به ظریف‌ترین نکات در تعاملات انسان - حتی در ارتباط با طبیعت و اجسام بی‌جان - هم پرداخته است، در مقابل تضییع حقوق دیگران ساکت نایستاده است. ما حق نداریم برای احیای یک امر مستحب (هر چند با فضیلت بسیار) مرتکب امر حرام قتل نفس شویم.

باید دید که اگر ما برخلاف نص صریح قرآن، برای حفظ نفس خود ارزش قائل نیستیم و با توجیهات غیر واقع‌گرایانه و نابخردانه، خود را یک مذهبی متدین طالب مرگ می‌دانیم و به این ترتیب خود را بی‌محبا در معرض خطر قرار می‌دهیم، به حکم اخلاق، در مقابل جان دیگران هم مسئول نیستیم؟ آیا به خطر انداختن جان دیگران، به نوعی شریک

بودن در قتل آنان نیست؟

و البته سؤال مهم‌تر این است که در چنین شرایطی، کسانی که به عنوان حافظان شعائر دینی، دم از صیانت از حقوق خدا و معصومین (ع) می‌زنند، در نادیده گرفتن حق الناس از نظر اخلاقی و دینی چه توجیهی دارند؟!

❁ هدف از برگزاری مراسم مذهبی چیست؟

در واقع، ما باید ببینیم که هدف و مقصودمان از شرکت در جلسات مذهبی و دینی، همچون جلسات عزاداری ابی‌عبدالله (ع) چیست؟ آیا جز این است که می‌خواهیم به این وسیله با خلقیات، رفتار و مشی و مرام اهل بیت (ع) آشنا شویم؟ آیا هدف ما از اصرار بر شرکت در چنین مجالسی، چیزی جز هم‌رنگ شدن و شبیه شدن به معصومین (ع) است؟ به نظر می‌رسد که مسئله بسیار روشن‌تر و ساده‌تر از این است که بخواهد به یک چالش، دغدغه و محل نزاع در فضای فرهنگی تبدیل شود. نهایت آن چه که یک فرد از شرکت در مراسم مذهبی می‌خواهد، نزدیک شدن به روح جاری در آن مراسم است. مراسم عزای ابی‌عبدالله (ع) وقتی ارزشمند است که فرد را به سمت مرام ابی‌عبدالله (ع) سوق بدهد. مرام ابی‌عبدالله هم چیزی جز مرام پیغمبر و «خلق عظیم» نیست.

و عصاره اخلاق را شاید بشود در این دو کلمه خلاصه کرد که «مرنج» و «مرنجان». گرچه غالباً این عبارات را برای مفاهیم تربیتی و معرفتی به کار می‌برند، اما وسعت این دو واژه به قدری زیاد است که ما می‌توانیم آن‌ها را به حوزه آن چه که این روزها به آن مبتلا هستیم هم وارد کنیم. ما به حکم اخلاق حق نداریم زمینه را برای رنجش جسمانی خودمان و دیگران فراهم کنیم.

در واقع، آن چه که ما در دوران کنونی، از برگزار نکردن مسئولانه گردهمایی‌ها به دست می‌آوریم، همان چیزی است که در سال‌های پیش از این، با برگزار کردن مجالس به دنبالش بوده‌ایم. گمشده ما اخلاق ابی‌عبدالله (ع) است که دستیابی به آن، گاه با برگزار کردن مجالس اتفاق می‌افتد و گاه با برگزار نکردن آن. در هر صورت، زیر پا گذاشتن عمده فهم، بینش صحیح را در زمانه‌های سردرگمی و آشوب به ارمغان خواهد آورد.

❁ نزاع‌های غیر عقلانی ضعف جامعه ماست

آیا ما می‌توانیم بی‌هیچ پشتوانه عقلی و روایی، بگوییم که «امام حسین (ع) خودش نگاه‌دار ماست»، با این که در قرآن کریم به روشنی آمده است که «وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ»؛ یعنی با دستان خود خویشتن را به مهلکه در نیفکنید؟

آیا با وجود هشدارهای پی در پی جامعه پزشکان و پرستاران و با توجه به دلایل و مستندات عقلی و علمی، شرکت در این تجمعات و گردهمایی‌ها، اخلاقی، منطقی و عقلانی است؟ آیا «توصیه به رعایت کردن»، می‌تواند یقین کافی

را برای ما به وجود بیاورد که

اتفاقی نمی‌افتد؟ اگر قضیه

این چنین است که همه

افراد به محض توصیه

شدن به انجام کاری، خود را به اجرای آن توصیه ملزم می‌کنند، پس چرا ما هنوز در جامعه‌مان به مشکلات فرهنگی و اخلاقی عدیده دچار هستیم؟ حقیقت غیر قابل انکار این است که «توصیه» به هیچ عنوان کافی نیست. در چنین مواردی حتی اجبار به انجام یک عمل هم حل‌کننده مشکل نخواهد بود؛ همان طور که جریمه‌های راهنمایی و رانندگی تاکنون نتوانسته است مانع تخلفات مردم در این زمینه شود.

به هر حال، به نظر می‌رسد که معضل کنونی جامعه ما، بیشتر از هر چیزی، ضعف در حوزه اخلاق، به دلیل آلوده شدن در نزاع‌های غیر عقلانی باشد و نه هیچ چیز دیگر؛ و گرنه کاملاً مشخص است که مکتب ابی‌عبدالله (ع) با اعمالی همچون به خطر انداختن جان خود و دیگران، به هیچ عنوان هم‌سو نیست. وقتی ما نمی‌توانیم امنیت افراد را در یک عمل پر مخاطره تضمین کنیم، بی‌شک نباید آن‌ها را به انجام آن عمل ترغیب و تشویق کنیم

مراسم عزاداری از لحاظ محتوی و کیفیت برگزاری، با بسیاری از مناسک مذهبی فرق دارند. در جلسات عزاداری، ازدحام، تداخل و تجمع، بسیار زیاد و طبیعتاً غیر قابل کنترل است و غالباً این طور است که تهییج احساسات و عواطف مذهبی، امور را از حالت عادی خارج می‌کند. رعایت کامل امور بهداشتی و فاصله اجتماعی در میان دسته‌های عزاداری، سینه‌زنی و نوحه‌خوانی، یک چالش بزرگ و تقریباً یک امر نشدنی است. ما به حکم عقل مجاز نیستیم که خودمان و دیگران را در چنین مهلکه گریزناپذیری بیندازیم. رعایت احتیاط در چنین شرایطی، برگزار نکردن مراسم است. وقتی «هر کس نفسی را بدون ارتکاب قتل و یا بی‌آنکه فساد و فتنه‌ای در زمین کرده، بکشد مثل آن است که همه مردم را کشته است»، پس نمی‌توان به راحتی دستوری را صادر کرد که حتی با حساب ضعیف احتمالات، جان یک نفر هم در اثنای اجرای آن به خطر بیفتد.

سوگواری‌ها را بعد از بازگشت شرایط به حالت عادی می‌توان دوباره اعاده کرد، اما بی‌شک، خلأ وجودی افرادی که در این بین از میان می‌روند را هرگز نمی‌توان جبران کرد.

